نگاه

سه‌گانه ترامپ و معمای انسجام راهبردی در جنگ ایران

نیروانا مهرآیین، پژوهشگر ارشد حقوق بین‌الملل: در میانه یکی از پیچیده‌ترین بحران‌های ژئوپلیتیکی دهه‌های اخیر، آنچه در نگاه نخست به‌عنوان «دوگزینه‌ای کلاسیک جنگ یا مذاکره» از سوی دونالد ترامپ در برابر جمهوری اسلامی ایران تصویر می‌شود، در واقع ساختاری سه‌لایه و پیچیده‌تر دارد؛ ساختاری که می‌توان آن را «سه‌گانه فشار، عبور و فرسایش» نامید. در این چارچوب، ایران نه‌تنها با دو گزینه توافق یا تداوم جنگ مواجه نیست، بلکه با سه مسیر متفاوت روبه‌رو است: توافق مستقیم با آمریکا، گشودن عملی تنگه هرمز به‌عنوان مکانیسم کاهش تنش بدون مذاکره و در نهایت سناریوی سوم یعنی تداوم بن‌بست و تشدید تقابل نظامی. فهم این سه‌گانه بدون توجه به منطق قدرت در روابط بین‌الملل و همچنین شکاف راهبردی میان آمریکا و اسرائیل ممکن نیست. مهلت ۴۸ساعته‌ای که از سوی ترامپ مطرح شد، در ظاهر یک ضرب‌الاجل دیپلماتیک بود، اما در واقع حامل یک پیام چندسطحی ژئوپلیتیکی است. در منطق سیاست قدرت، ضرب‌الاجل‌ها اغلب نه برای رسیدن به توافق فوری بلکه برای بازتعریف میدان بازی به کار می‌روند. در اینجا نیز ترامپ تلاش کرده است معادله بحران را از یک دوگانه ساده به یک سه‌گانه استراتژیک تبدیل کند؛ به این معنا که ایران می‌تواند بدون بازگشت به میز مذاکره، از طریق مدیریت یکی از حساس‌ترین گلوگاه‌های اقتصاد جهانی یعنی تنگه هرمز، مسیر تنش‌زدایی موقت را فعال کند. صدور مجوزهای بیشتر برای عبور کشتی‌ها از این تنگه در روزهای اخیر دقیقا در همین چارچوب قابل تفسیر است: نوعی سیگنال ژئواکونومیک به بازارهای جهانی که نشان دهد ایران می‌تواند بدون پذیرش شروط سیاسی واشنگتن، هزینه‌های جنگ را برای همه بازیگران کاهش دهد. اما همین گزینه ظاهرا کم‌هزینه، در بلندمدت ممکن است یکی از پرهزینه‌ترین سناریوها برای ایران باشد. گشودن تنگه هرمز به‌عنوان ابزار کاهش تنش، اگرچه می‌تواند به آتش‌بس یا حتی پایان نسبی درگیری منجر شود، اما در سطح راهبردی خطر تثبیت یک الگوی فشار ساختاری را به همراه دارد؛ الگویی که در آن ایران بدون دریافت امتیاز سیاسی یا امنیتی، صرفا با استفاده از اهرم‌های ژئوپلیتیکی خود به مدیریت بحران می‌پردازد. چنین الگویی در نظریه‌های روابط بین‌الملل به «مهار غیررسمی» شباهت دارد؛ وضعیتی که در آن یک قدرت منطقه‌ای عملا در چارچوب محدودیت‌های طراحی‌شده توسط قدرت‌های بزرگ عمل می‌کند، بدون آنکه توافق رسمی یا تضمین پایدار امنیتی وجود داشته باشد. در این میان، فهم رفتار آمریکا بدون توجه به شکاف راهبردی میان واشنگتن و تل‌آویو ناقص خواهد بود. تحلیل فرید زکریا درباره ناسازگاری دستورکارهای آمریکا و اسرائیل دقیقا به همین نقطه اشاره می‌کند. سیاست ایالات متحده در این جنگ دچار نوعی نوسان هدفی است؛ از تشویق به تغییر رژیم، تا مذاکره با عناصر درون نظام، تا محدودسازی توان نظامی ایران و سپس بازگشت دوباره به ادبیات «تسلیم بدون قید و شرط». چنین نوسانی نشان‌دهنده نبود یک راهبرد منسجم درون ساختار تصمیم‌گیری واشنگتن است. در مقابل، اسرائیل از دید بسیاری از تحلیلگران با هدفی بسیار صریح‌تر حرکت می‌کند: تضعیف بنیادین ساختار قدرت در ایران و در صورت امکان سوق‌دادن کشور به سمت فروپاشی یا جنگ داخلی. از منظر نظریه‌های ثبات منطقه‌ای، این تفاوت اهداف بسیار تعیین‌کننده است. آمریکا به‌عنوان قدرتی که به ثبات بازار انرژی و جریان آزاد تجارت جهانی وابسته است، نمی‌تواند به‌راحتی سناریوی فروپاشی یک کشور بزرگ و متکثر مانند ایران را بپذیرد. تجربه‌های عراق، لیبی و سوریه نشان داده‌اند فروپاشی دولت‌های منطقه‌ای نه‌تنها به ثبات نمی‌انجامد، بلکه به چرخه‌ای از جنگ‌های فرسایشی، ظهور بازیگران غیردولتی و اختلال در بازارهای جهانی منجر می‌شود. در مورد ایران، این خطر حتی بزرگ‌تر است؛ کشوری با تنوع قومی، جمعیت گسترده و شبکه‌ای پیچیده از نیروهای مسلح که فروپاشی نظم سیاسی در آن می‌تواند به بحرانی چندلایه در قلب خاورمیانه تبدیل شود. در چنین بستری، سه‌گانه ترامپ را می‌توان تلاشی برای مدیریت هم‌زمان چند متغیر دانست: اعمال فشار حداکثری بر تهران، جلوگیری از فروپاشی کامل نظم منطقه‌ای و حفظ اهرم‌های اقتصادی غرب. گزینه توافق برای واشنگتن بهترین سناریو از منظر کنترل بحران است؛ گزینه گشودن تنگه هرمز یک مکانیسم موقت برای جلوگیری از جهش قیمت انرژی و آرام‌کردن بازارهاست؛ و گزینه سوم یعنی تشدید جنگ، ابزاری برای حفظ فشار در صورت شکست دو مسیر دیگر. بااین‌حال، آنچه این معادله را پیچیده‌تر می‌کند، تضاد منافع میان بازیگران اصلی جنگ است. اگر اسرائیل واقعا به دنبال سناریوی فروپاشی ساختاری ایران باشد، هرگونه مسیر کاهش تنش -چه توافق و چه مدیریت بحران از طریق هرمز- می‌تواند با مقاومت تل‌آویو مواجه شود. از این منظر، جنگ جاری نه‌تنها تقابل ایران با یک ائتلاف خارجی، بلکه صحنه‌ای از رقابت درون‌ائتلافی نیز هست؛ رقابتی میان منطق ثبات‌گرایانه آمریکا و منطق بی‌ثبات‌ساز اسرائیل. در نهایت، معمای اصلی پیش‌روی ایران نه صرفا انتخاب میان جنگ و صلح، بلکه نحوه مواجهه با این سه‌گانه راهبردی است. هر یک از مسیرها پیامدهای متفاوتی برای توازن قدرت منطقه‌ای، موقعیت ژئوپلیتیکی ایران و آینده نظم خاورمیانه خواهد داشت. در چنین شرایطی، مسئله کلیدی نه‌فقط تصمیم کوتاه‌مدت درباره بحران جاری، بلکه چگونگی جلوگیری از تثبیت الگویی است که در آن ایران همواره در وضعیت «مدیریت بحران بدون حل بحران» باقی بماند؛ وضعیتی که شاید در کوتاه‌مدت از تشدید جنگ جلوگیری کند، اما در بلندمدت می‌تواند به فرسایش تدریجی قدرت ملی و محدودشدن افق‌های راهبردی کشور بینجامد.

پرواز با فلامینگوها

در فردای پایان جنگ و برای ساختن ایران‌مان چه باید کرد؟

حمیدرضا حسینی‌آشتیانی*

بسیاری از روایت‌ها، نجات آفریقای جنوبی از آپارتاید را به نام نلسون ماندلا ثبت کرده‌اند؛ اما آغاز مسیر رهایی آفریقای جنوبی، نه در میدان آزادی کیپ‌تاون، بلکه در اتاق‌های گفت‌وگوی نخبگان و در روزهایی رقم خورد که ماندلا هنوز در حبس بود. در یک اتاق کوچک در کیپ‌تاون، ۲۰ نفر دور یک میز نشسته‌اند. هیچ‌یک دوست هم نیستند و پاره‌ای حتی چشم دیدن همدیگر را هم ندارند؛ چراکه در سال‌های نه‌چندان دور، هر یک در دو سوی یک درگیری سیاسی ایستاده بودند. اعضای جلسه از هر قماشی هستند؛ صنعتگر، بازرگان، سیاست‌مدار چپ، نماینده حاکمیت سفیدپوست و... .

تسهیلگر جوان جلسه تنها یک پرسش از آنها دارد و آن اینکه آینده کشور شما چه خواهد شد؟ و در پاسخ به این پرسش، جلسه نیز تنها یک دستور کار دارد: گفت‌وگو با هدف تصویرسازی از آینده آفریقای جنوبی. نتیجه کار این جمع اندک، تنها در چند نشست معدود، آینده آفریقای جنوبی را تصویر و کشور را از پیامدهای شوم سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آپارتاید نجات داد.

حال تصور کنید در شرایط حاضر، چنین اتاقی و چنین نشستی در ایران داشته باشیم؛ چه سناریوهایی از آینده کشور پیش‌رو داریم؟ چگونه می‌توانیم به کشورمان برای گذار از شرایط حاضر کمک کنیم؟ تجربه آفریقای جنوبی چه درس‌هایی برای ما در ایران دارد؟

برای پاسخ به این پرسش‌ها، در هفت فراز زیر همراه ما باشید.

۱. اواخر دهه ۱۹۸۰ آفریقای جنوبی در بحران عمیقی فرو رفته بود. از یک سو اقتصاد کشور زیر فشار تحریم‌های بین‌المللی، خروج سرمایه‌گذار خارجی و ناتوانی در بازپرداخت بدهی‌ها آسیب دیده بود؛ به ترتیبی که رشد اقتصادی اغلب از رشد جمعیت کمتر و بیکاری و نابرابری اجتماعی رو به تزاید بود. از سوی دیگر و در عرصه سیاسی نیز کشور در انزوا قرار داشت؛ اعتراض‌های خیابانی، اعتصاب‌های کارگری و خشونت‌های سیاسی به روالی عادی تبدیل شده بود و شکاف میان اقلیت سفیدپوست حاکم و اکثریت سیاهان معترض عمیق بود و کشور از سوی نهادهای بین‌المللی از شرکت در بازی‌های المپیک و مسابقات جهانی محروم.

۲. بیشتر کارشناسان و فعالان سیاسی و اقتصادی، برون‌رفت آفریقای جنوبی از بحران اشاره‌شده در بالا را مدیون نلسون ماندلا می‌دانند. رهبری که با منش آشتی‌جویانه و حسن تدبیرش، کشورِ گرفتار در آتش خشم و کینه آپارتاید، تحریم‌های اقتصادی گسترده و روابط سیاسی محدود با دنیا را به ساحل رستگاری رساند. هرچند این روایت غالب است و مرسوم، اما دست‌کم تبیین‌کننده تمام واقعیت نیست؛ چراکه نقطه شروع تحول سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آفریقای جنوبی به سال ۱۹۹۰ برمی‌گردد و روزهایی که ماندلا آنها را در زندان جزیره رابِن سپری می‌کرد.

۳. در اوایل دهه ۱۹۹۰ طنزی تلخ در آفریقای جنوبی بر سر زبان‌ها بود و آن اینکه کشوری با این همه مشکلات، تنها دو گزینه پیش‌رو دارد؛ یک راه شدنی ولی نه‌چندان کارآمد و دیگری سخت و شاید گره‌گشا. گزینه شدنی آنکه همگی دست به دعا برداشته تا گروهی از جانب خدایان بر ما نازل شده و اوضاع را مرتب کنند (راه راست به سمت ما کج شود!) و گزینه سخت و معجزه‌آسا آنکه به گفت‌وگو بنشینیم و با خرد جمعی، راهکاری برای خروج از بحران بیندیشیم.

۴. فردریک ویلم دِ کلرک، رهبر سفیدپوست آفریقای جنوبی، پس از قبول مسئولیت در سال ۱۹۹۰، گزینه دوم را برگزید. او در نخستین روزهای به قدرت رسیدن، با لحنی بی‌سابقه از مردمش خواست از نژادپرستی و آپارتاید دست شسته و به گفت‌وگوی مسالمت‌آمیز روی آورند. این رویکرد نوین رهبر تازه به قدرت رسیده، زمینه‌ساز آزادی ماندلا و بازگشت سایر فعالان سیاسی از تبعید و شتاب‌گرفتن روند اصلاحات شد.

۵. در همین روزها و ماه‌ها، به دعوت پاره‌ای از رهبران کسب‌وکارها و فعالان مدنی (و نه حاکمیت گرفتار در بحران)، مشاوری به نام آدام کاهان از یک شرکت مشاوره مدیریت بین‌المللی کانادایی برای سناریوپردازی درباره آینده کوتاه‌مدت آفریقای جنوبی به مشارکت فراخوانده شد. کاهان ضمن تسهیلگری و راهبری یک گروه متشکل از سفیدپوستان حاکم، سیاهان معترض، فعالان اقتصادی، بازرگانان خوشنام و... و تنها پس از چند نشست منسجم و در زمانی کوتاه، موفق به ترسیم سناریوهایی از آینده کشور شد. نقل است که کاهان جلسه نخست را با یک پرسش ساده آغاز کرد و آن اینکه قرار نیست درباره گذشته و مسببان وضع موجود بحث کنیم یا کسی را قانع کنیم، ما اینجاییم و تنها یک پرسش کلیدی داریم، آینده آفریقای جنوبی چه می‌تواند باشد؟

۶. با وجود فضای نه‌چندان دوستانه نشست‌های گروه در اوایل کار، کاهان و تیم ۲۰نفره‌اش در چند جلسه موفق شدند چهار سناریو برای آینده کشور تبیین کنند. سناریوی نخست حاکی از آن بود که دولت سفیدپوست حاکم ضمن پرهیز از گفت‌وگو و سازش با اکثریت سیاه‌پوست، همچون شترمرغ سر در شن فرو برده و با نفی شرایط بحرانی موجود و تحولات محتوم آتی، نسبت به هرگونه اصلاح مسالمت‌آمیز مقاومت می‌کند. نتیجه چنین رویکردی، تشدید انزوا، گسترش خشونت و در نهایت فروپاشی نظم موجود خواهد بود.

سناریوی دوم، اردک لنگ، حکایت از آن داشت که هرچند حاکمیت بحران موجود را مطابق شرایط سناریوی نخست نفی نمی‌کند، ولی جسارت، همت و التزام عملی لازم برای اصلاح ریشه‌ای مشکلات را نداشته و کشور به رکودی طولانی و بلاتکلیفی عمیق فرو می‌رود.

عنوان سناریوی سوم، ایکاروس، از روایتی اساطیری در یونان باستان وام گرفته شده بود. ایکاروس که به همراه پدر صنعتگرش در هزارتو گرفتار شده بودند، با استفاده از پر پرندگان و موم، بال‌های بزرگی درست کرد و از هزارتو گریخت. اما ایکاروس برخلاف توصیه پدرش که از او خواسته بود نه به دریا زیاد نزدیک شود و نه به خورشید، حریص شد و اوج گرفت، گرمای خورشید موم پرها را آب کرد و ایکاروس سقوط کرد. داستان ایکاروس استعاره جالبی است از پیامدهای ناخوشایند جاه‌طلبی و حرص بیش از اندازه. این سناریو مؤید آن بود که پس از اعتراضاتی خشونت‌آمیز، سریع و پردامنه، دولتی رادیکال با اکثریت سیاهان چپ به قدرت رسیده و با نیت جبران ده‌ها سال حکومت تبعیض‌آمیز سفیدان، به بازتوزیع قدرت و ثروت از طبقه سفیدپوست مغلوب به سیاهان حاکم پرداخته و با سیاست‌های به‌ظاهر خیرخواهانه و پوپولیستی، اقتصاد مریض کشور را به لبه پرتگاه می‌کشاند.

و در پایان سناریوی چهارم، سناریوی فلامینگو، بر این امید بود که دولت آشتی ملی، مجموعه منسجمی از سیاست‌های پایدار اقتصادی و سیاسی را در پیش گرفته و از طریق شکل‌گیری نظامی منطبق با اصول دموکراسی، زمینه لازم را برای توسعه اقتصادی و برون‌رفت از بحران فراهم می‌آورد. فلامینگوها پرندگانی هستند که به آرامی و هماهنگ از زمین برمی‌خیزند و به‌صورت جمعی پرواز می‌کنند. سناریوی چهارم استعاره‌ای بود از پرواز دسته‌جمعی طبقه اقلیت سفیدپوست حاکم همراه با سیاهان اکثریت معترض. گذار تدریجی، هماهنگ و بدون فروپاشی به یُمن باورمندی و التزام عملی به دو اصل و سنت الهی تکثر و مداراگری.

۷. ادامه داستان را کم‌وبیش می‌دانیم، اما پرسش مهم این است که مهم‌ترین عوامل ختم به خیر شدن روایت بالا در آفریقای جنوبی چه بود و مرور آن چه آموزه‌هایی برای ما در ایران با شرایط امروز دارد؟

● آموزه نخست، جامعه زمانی می‌تواند به سوی راه‌حل حرکت کند که واقعیت بحران به رسمیت شناخته شود. تبیین صادقانه شرایط اضطرار از سوی همگان، برای شروع شرط لازم است.

● آموزه دوم، تأکید بر ضرورت انجام گفت‌وگو؛ نه گفت‌وگوی نمایشی، بلکه گفت‌وگوی عمیق و واقعی میان طیف نخبگان و جریان‌های سیاسی و اقتصادی جامعه.

● آموزه سوم، به خدمت گرفتن تسهیلگری بی‌طرف برای تبیین و حل مسئله روی میز. حضور فردی بیرون از منازعات سیاسی داخلی، کمک کرد تا گفت‌وگوی میان گروه‌های متخاصم ممکن شود.

● آموزه چهارم، تمرکز بر آینده‌ای کوتاه‌مدت. چهار سناریو مورد اشاره نه درباره آرمان‌شهری دوردست، بلکه درباره آینده نزدیک کشور و یک سال آتی سخن می‌گفتند.

● آموزه پنجم، تصویر آینده در قالب سناریوهایی ملموس و قابل فهم. چهار سناریو و چهار پرنده، با هدف ایجاد یک پرسش مهم و تلنگر در ذهن آحاد جامعه، مبنی بر اینکه آینده کشور ما چه سرنوشتی خواهد داشت؟

● آموزه ششم، پیشبرد فرایند حل مسئله با همکاری گروهی کوچک متشکل از طیف گسترده‌ای از ذی‌نفعان؛ از صنعتگران و تاجران بنام گرفته تا فعالان سیاسی و رهبران قومی، از اقتصاددانان و جامعه‌شناسان گرفته تا کنشگران فرهنگی و دانشگاهی و... .

و شاید مهم‌ترین درس از تجربه آفریقای جنوبی این باشد که بحران‌های بزرگ نه با قهرمانان تنها، بلکه با ترکیب نادری از شجاعت سیاسی، گفت‌وگوی فراگیر و چشم‌انداز مشترکی از آینده حل می‌شوند.

در پایان ماییم و چند پرسش، همراه با بیم و امید و آن اینکه:

● آیا حاکمیت امروز ایران، صداقت و جسارت لازم برای تبیین شرایط موجود را دارد؟

● آیا ما در ایران و در شرایط حاضر می‌توانیم گفت‌وگوی مشابهی را تجربه کنیم؟

● آیا می‌توانیم با التزام عملی به دو سنت تکثر و مداراگری، گروهی کوچک اما متنوع از نخبگان سیاسی، اقتصادی، دانشگاهی و فرهنگی را گرد هم آوریم و بدون پیش‌فرض‌های ایدئولوژیک، در مورد سناریوهای ممکن آینده کشور گفت‌وگو کنیم؟

● در این مسیر، آدام کاهانِ بی‌طرفِ ما که خواهد بود؟

● کدام سناریوهای صریح و ملموس برای آینده کشور قابل طرح هستند؟ سناریوهایی که جامعه را با یک پرسش ساده اما تعیین‌کننده روبه‌رو کند: ما برای ایران‌مان کدام مسیر را می‌خواهیم انتخاب کنیم؟

من نیز مانند شما کم‌وبیش پاسخ‌هایی برای پنج پرسش بالا دارم؛ همراه با بیم و امید؛ بیمی عمیق از آنکه از تجارب پیشین خود و سایر کشورها نیاموزیم و کورسوی امید به آنکه این بار و در فردای پایان عزت‌مندانه جنگ تحمیلی جاری، با مداراگری و سعه‌صدر بیشتر، فضای گفت‌وگو و چاره‌اندیشی را پیرامون اصلاح شرایط موجود فراهم آوریم و در این مسیر هر یک از ما سهمی در ساختن ایران عزیزمان داشته باشیم. با این وجود انسان با امید زنده است و من نیز. همراه شو ای عزیز، علاج در وطن است!

*** عضو هیئت‌مدیره انجمن بهره‌وری ایران**
و مدیرعامل شرکت مشاوره مدیریت آریانا

بیانیه گروهی از ملی‌اندیشان و میهن‌پرستان ایرانی درباره تجاوز آمریکا و اسرائیل به ایران

هم‌میهنان؛ اکنون که جهان در آستانه تحولات استراتژیک مهمی قرار دارد و شبحِ جنگ و تعرض خارجی بر سراسر جغرافیای ایران گشوده شده است، کشور ایران و بقای آن در خطرناک‌ترین مرحله قرار گرفته است. تعرض قوای خارجی به اماکن مسکونی غیرنظامی، زیرساخت‌های اقتصادی و صنعتی کشور و مهم‌تر از همه به جزایر خلیج فارس خط قرمز تمام نیروهای ملی فارغ از تفاوت دیدگاه‌های اجتماعی و تاریخی است.

ما ضمن محکومیت مداخله و تعرض بیگانگان به‌ویژه به زیرساخت‌های غیرنظامی، از حق حاکمیت ملی ایران در همه نواحی و نقاط کشور ایران، به‌ویژه در آبراه بین‌المللی هرمز، جزایر خلیج همیشه فارس و مناطق غرب کشور حمایت می‌کنیم و به حکومت هشدار می‌دهیم که باید همه تمهیدات نظامی و به‌ویژه دیپلماتیک را برای حفظ جزایر این پهنه آبی پیش‌بینی و براساس «مقتضیات استراتژیک موجود» در این زمینه گام بردارد.

از سوی دیگر به همه فرقه مارکسیستی-مائویستی که در ارتفاعات شمال عراق به سر می‌برند یادآوری می‌کنیم که هر نوع تحرک ماجراجویانه با مشت آهنین ملت و ارتش ایران روبه‌رو خواهد شد و پیش از همه کُردان میهن‌پرست در برابر آنان قرار خواهند گرفت. از سوی دیگر به عنوان اصیل‌ترین نیروی ملی ایران‌زمین به همسایگانی که قصد داشته باشند از این جنگ نابرابر به ضرر منافع حیاتی ملت ایران بهره‌برداری کنند نیز هشدار می‌دهیم.

این جنگ به‌زودی پایان خواهد یافت و چونان همیشه آنچه باقی می‌ماند ایران و میهن کهن ما خواهد بود؛ بنابراین بهتر آنکه همه نیروهای سیاسی چه از نظر حقوق مردم و آزادی‌های فردی و سیاسی از یک سو و چه از نظر سرنوشت آینده ایران، شرافت ملی را انتخاب کنند و دست به اقدام یا انتخابی نزنند که در پیشگاه تاریخ، لکه ننگی باقی بماند.

جدول ۵۲۸۷ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- ماه بهار قرآن- مورد خشم قرارگرفته- رشته‌ای در ورزش شمشیربازی ۲- اتاق کوچک- واحد اندازه‌گیری وزن الماس- تنبل جالیزی ۳- قوه بینایی- همگرایی- واحد پول گرجستان ۴- پهلوان- رمانی از میلان کوندرا، نویسنده نامدار چک- ماده‌ای در ورزش دوومیدانی ۵- تصویر چاپ‌شده- محل نشستن ۶- مقام اداری بعد از ریاست- دچار تردید- حرف همراهی ۷- هیجان‌انگیز- حالت روحی و عاطفی خاص- قطار ۸- آواز آهنگین- نوعی سوسیس- گرسنه ۹- توده غله- شیطان- رستگاری ۱۰- ماهی کنسروی- الگو و سرمشق- دیه ۱۱- زاده‌شده- حالت عاطفی شخص ۱۲- مقابل دریافت- نامی دخترانه- کمبود آن موجب بیماری گوآتر می‌شود ۱۳- نیاز- از پیامبران بنی‌اسرائیل- میل و آرزو ۱۴- رشد- جمع مکسر روح- ناگزیر ۱۵- پدر آذری- رهگذر- در هر زمان

عمودی:

۱- فلزی درخشان و بسیار سمی- از درجات عالی نظامی- بوی رطوبت ۲- پارچه روبالشی- نام پدر حضرت مریم(س)- دلسوزی و مهربانی ۳- یک حرف و سه حرف- زیرک- علاج‌کردن ۴- سفید آذری- پایدار، همیشگی- زاده چهارپایان ۵- شخص دقیق و باریک‌بین- معادل فارسی معتاد ۶- قد و بالا- پیری- امر به رفتن دارد ۷- نوشته موضوعی- تخت پادشاهی- ذره باردار ۸- ناموس‌پرستی- دادگاه- توانایی خواندن و نوشتن ۹- واحد سنجش و تقسیمات زمان در موسیقی- جلوس‌کردن- بوی خوش ۱۰- تعجب زنانه- عیب و نقص- آغشته به خون ۱۱- ریاضیدان و جغرافیدان یونانی و صاحب کتاب مجسطی- لقب حضرت عیسی(ع) ۱۲- مترسک- از سبزی‌های خوردنی- اصل هر چیز ۱۳- پرده سینما- همانندی- جداگانه تلفظ‌کردن ۱۴- آشکار و نمایان- پیروز مسابقه- حمله و هجوم ۱۵- خدای درویش- بی‌نظیر- معادل فارسی ارگانیسم

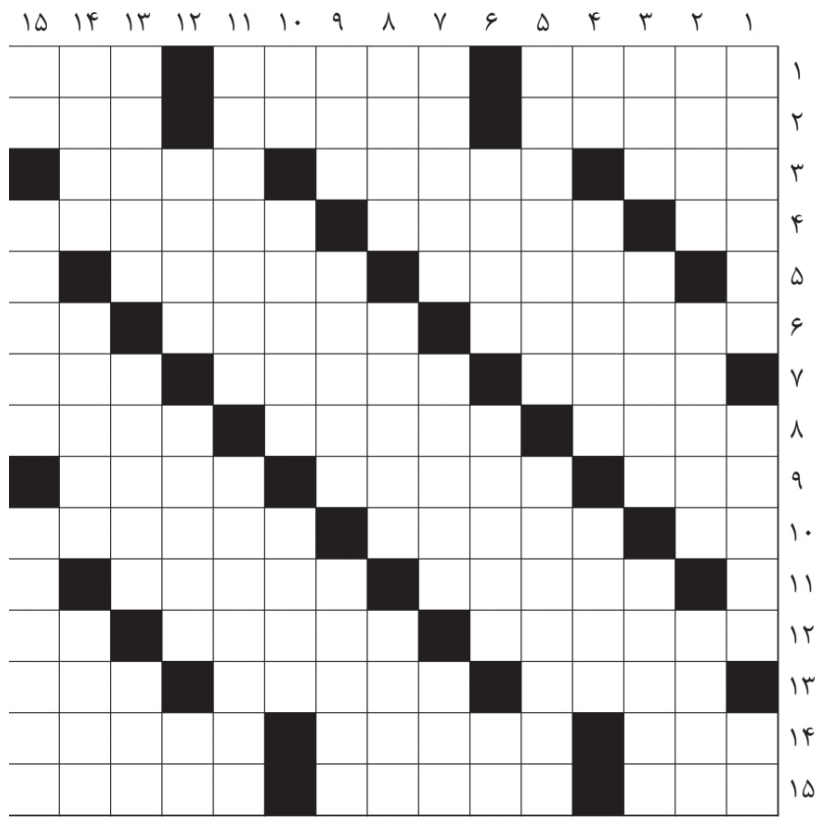

حل سودوکو ۴۲۸۲

۵	۱	۴	۶	۹	۷	۳	۸	۲
۸	۹	۲	۳	۱	۵	۶	۷	۴
۳	۷	۶	۸	۴	۲	۱	۵	۹
۴	۳	۱	۵	۸	۹	۷	۲	۶
۷	۲	۵	۱	۶	۴	۸	۹	۳
۹	۶	۸	۲	۷	۳	۴	۱	۵
۶	۵	۳	۷	۲	۸	۹	۴	۱
۱	۸	۹	۴	۵	۶	۲	۳	۷
۲	۴	۷	۹	۳	۱	۵	۶	۸

۵	۸	۱	۳	۲	۶	۷	۴	۹
۳	۷	۶	۱	۹	۴	۵	۲	۸
۲	۴	۹	۷	۸	۵	۳	۱	۶
۴	۶	۳	۹	۵	۱	۸	۷	۲
۱	۲	۸	۴	۶	۷	۹	۵	۳
۷	۹	۵	۲	۳	۸	۱	۶	۴
۶	۱	۲	۸	۷	۹	۴	۳	۵
۹	۳	۷	۵	۴	۲	۶	۸	۱
۸	۵	۴	۶	۱	۳	۲	۹	۷

حل جدول ۵۲۸۶

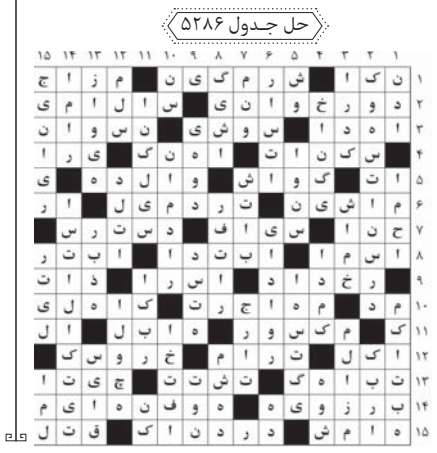

سودوکو سخت ۴۲۸۳

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

	۹	۲				۱		
	۵				۹			۳
۸				۲				
		۱		۶				
۲	۶			۷			۹	۴
				۵		۲		
				۸				۲
۵			۱				۶	
		۶				۹	۴	

سودوکو ساده ۴۲۸۳

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

۳			۴			۶		
۵	۴			۱				
	۲	۷						
	۱	۶		۵				۹
			۷		۸			
۹				۲		۴	۳	
						۲	۹	
				۴			۵	۳
		۲			۳			۸